

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

موضوع بحث: زبان و عذاب آن (1390/10/13)

يك روايتي مربوط به «زبان» عرض كنيم تا همه از اين روايت بهره‌مند شويم.

سكوني از امام صادق(ع) از پيامبر(ص) نقل مي‌كند:

«يُعَذِّبُ اللَّهُ اللِّسَانَ بِعَذَابٍ لَا يُعَذِّبُ بِهِ شَيْئًا مِنَ الْجَوَارِحِ فَيَقُولُ أَيُّ رَبِّ عَذَّبْتَنِي بِعَذَابٍ لَمْ تُعَذِّبْ بِهِ شَيْئًا فَيُقَالُ لَهُ خَرَجْتَ مِنْكَ كَلِمَةً قَبْلَغْتَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا فَسُفِكَ بِهَا الدَّمُ الْحَرَامُ وَانْتَهَبَ بِهَا الْمَالُ الْحَرَامُ وَانْتَهَكَ بِهَا الْفَرْجُ الْحَرَامُ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لِأُعَذِّبَنَّكَ بِعَذَابٍ لَا أُعَذِّبُ بِهِ شَيْئًا مِنْ جَوَارِحِكَ» (وسائل الشيعة 18: 10)؛

عذاب زبان يك عذاب خاصي است، عذابي كه خداي تبارك و تعالي در قيامت براي لسان در نظر گرفته، با تمام عذاب‌هايي كه براي تمام جوارح بدن هست فرق مي‌كند.

اين سبب مي‌شود كه ما يك مقدار بيشتر توجه كنيم و لسان خودمان را كنترل كنيم، تا مي‌توانيم صحبت نكنيم، تا مي‌توانيم سكوت را به عنوان يك عادت براي خودمان قرار دهيم، كه البته خيلي مشكل است و اين نياز به تمرين و رياضت دارد.

انسان جايي كه بتواند يك حرفي را بزند اما خودش را كنترل كند و اين حرف را نزند، زبانش را ببندد، دهانش را ببندد و صحبت نكند.

آن وقت در ادامه‌ي روايت «فَيَقُولُ أَيُّ رَبِّ عَذَّبْتَنِي بِعَذَابٍ لَمْ تُعَذِّبْ بِهِ شَيْئًا» يعني خود همين لسان در روز قيامت مي‌گويد: خدايا من را عذابي مي‌كني كه هيچ چيز ديگري را اين گونه عذاب نكردي. چرا؟

يعني زبان به اعتراض در مي‌آيد. بايد واقعاً به خدا پناه برد.

حالا عذاب‌هاي ديگري كه هست، خود عذاب اخروي را ما درست نمي‌توانيم درك كنيم، حالا اين عذاب لسان خيلي شديدتر است، معلوم مي‌شود اينقدر اختلاف وجود دارد كه قابل فرق است، قابل ميز است، اين عذابي كه لسان دارد بقيه جوارح ندارند؛ «فَيُقَالُ لَهُ خَرَجْتَ مِنْكَ كَلِمَةً» وقتي كه لسان اين اعتراض را در روز قيامت مي‌كند جواب داده مي‌شود از تو يك كلمه خارج شد، نمي‌گويد يك يا ده ساعت حرف زدن، «قَبْلَغْتَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا»؛ اين كلمه به مشرق و مغرب زمين رسيده «فَسُفِكَ بِهَا الدَّمُ الْحَرَامُ وَانْتَهَبَ بِهَا الْمَالُ الْحَرَامُ وَانْتَهَكَ بِهَا الْفَرْجُ الْحَرَامُ» يك خونی كه محترم بوده با آن ريخته شده و يك مال محترم به سبب آن اخذ شده و يك فرج محترم هتك شد، يعني گاهي يك كلمه از همين دهان كه بيرون مي‌آيد اين قابليت را دارد كه به مشرق و مغرب زمين برسد و موجب خونريزي و از بين بردن اموال شود، موجب از بين بردن نواميس مردم شود.

به لسان مي‌گويند اين كلمه از تو خارج شده و اين آثار را داشته است. بعد خدا مي‌فرمايد «وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لِأُعَذِّبَنَّكَ بِعَذَابٍ لَا

أَعَذَّبُ بِهِ شَيْئًا مِنْ جَوَارِحِكَ»؛ قسم به عزّت خودم آنچه که الآن انسان می‌گوید، مخصوصاً الآن که این وسائل ارتباط جمعی و رسانه‌ها خیلی فراوان است و انسان يك كلمه که امروز می‌گوید يك ساعت بعد در كل دنيا این كلمه هست، هر کسی بخواند این كلمه را گوش می‌کند! با يك كلمه بیائیم حلالی را حرام کنیم، حرامی را حلال کنیم! همین نتایج را دارد.

اگر انسان با يك كلمه يك حلالی را حرام کند يك مال محترمی را با يك كلمه بگوید و شهادت بدهد که این مال از احترام خارج شود، یا خونی خدایی نکرده ریخته شود، باید خیلی مراقبت کنیم. زبان خودمان را باید خیلی کنترل کنیم. باز در يك روایتی پیامبر (ص) می‌فرماید: «مَنْ حَفِظَ لِسَانَهُ فَكَانَ مَعَهُ عَمَلٌ بِالْقُرْآنِ»؛ خیلی تعبیر عجیبی است! کسی که زبان خود را حفظ کند، گویا به قرآن عمل کرده است. یعنی به تمام قرآن عمل کرده و جزء متقین، صالحین و ابرار شده، این دیگر غیبت نمی‌کند، تهمت نمی‌زند، دروغ نمی‌گوید، ظلم نمی‌کند، وسیله بسیاری از گناهان کبیره زبان انسان است.

«الصُّمْتُ أَرْفَعُ الْعِبَادَةَ»؛ سکوت بالاترین عبادت‌هاست.

ما در حالات علمای بزرگ این را داشتیم و ما هم علمای بزرگی را دیدیم، گاهی اوقات در يك مجلس یکی دو ساعت، تا کسی از آنها سوال نمی‌کرد اینها حرفی نمی‌زدند. حالا ما تا يك جا می‌رویم دو نفر را می‌بینیم، از اظهار فضل و نفي دیگران و تخریب دیگران و هتک دیگران و خدایی نکرده گاهی اوقات به هتک نظام اسلامی و اشکال بر نظام اسلامی، که حالا من نمی‌گویم نباید اشکال باشد، يك وقت آدم يك جایی این انتقاد را می‌کند به موقع و مؤثر، آن لازم است و به عنوان امر به معروف و نهي از منکر واجب می‌شود، ولي جایی که می‌بیند هیچ اثری ندارد، یا انتقاد از يك عالم، انتقاد از يك مسئول، انتقاد از يك شخص، ما خیلی در حرف زدن بی‌پرواییم.

زمانه ما هم متأسفانه این چنین شده، بی‌پروایی خیلی فراوان شده، بی‌اخلاقی خیلی فراوان شده، هر کسی تریبونی دارد به مقتضای ذهن خودش و غرور خودش شروع می‌کند هر صحبتی را مطرح می‌کند.

ما یاد این روایت بیفتیم، این روایت را توجه داشته باشیم که این «لَا يُعَذَّبُ» خدا می‌فرماید من برای زبان يك عذابی قرار دادم که بر هیچ يك از اعضای بدن این عذاب را قرار ندادم، انسان یاد همین روایت که بیفتد دائماً باید به فکر فرو برود. حالا کسی يك عیبی دارد، انسان در صدد افشای آن عیب برمی‌آید، چه کار خطرناکی؟ چه کار اشتباهی؟ انسان خودش مگر عیب ندارد؟ اگر واقعاً يك انسانی انصاف داشته باشد، ببیند که خودش چقدر عیب دارد، چقدر نقص دارد، انسان باید يك فکری به حال رفتاری‌های خودش کند. چکار داری که دیگری این عیب را دارد؟ اگر هنر داریم عیب خودمان را بشناسیم، برای علاج عیب خودمان يك فکر و کاری کنیم، چقدر از عمر انسان مگر باقی مانده؟ اینقدر زمانه زود می‌گذرد که انسان هر روز احساس می‌کند به پایان خط رسیده است. هر آن اینگونه احساس می‌کند.

يك مقدار به خودمان و زبان خودمان توجه کنیم، از همین حالا شروع کنیم ببینیم در شبانه‌روز چقدر می‌توانیم سکوت کنیم، در منزل، بیرون، در جلسات؛ بنشینیم بررسی کنیم که ببینیم امروز چقدر حرف حسابی زدیم؟ چقدر از این زبان کار کشیدیم؟ «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَسْلَمَ فَلْيَحْفَظْ لِسَانَهُ»؛ اگر کسی می‌خواهد سالم باشد، لسانش را حفظ کند.

این لسان، راه برای «تطهیر قلب» است و راه برای «آلودگی قلب» است. انسان يك حرفی که می‌زند؛ تا غیبت می‌کند قلبش آلوده می‌شود، تا يك حرفی علیه دیگری می‌زند بلافاصله قلبش مکدر می‌شود. هر چه این لسان متوقّف باشد، قلب مزین‌تر و مطهرتر و پاک‌تر باقی می‌ماند.

بنابراین از جهاتی که - ما طلبه‌ها مخصوصاً - خیلی باید به آن توجه داشته باشیم، مسئله‌ی لسان است.

من يادم مي آيد مرحوم والد ما (رضوان الله عليه) در مباحثي كه در روزهاي چهارشنبه مقيد بودند يك حديث اخلاقي را بخوانند و خودشان هم به اساتيد حوزه مكرر مي فرمودند، از قول امام (ره) مي فرمودند كه امام خيلي تأكيد دارند اساتيد، يك حديث اخلاقي بخوانند و نسبت به مسائل اخلاقي طلبه ها توجه داشته باشند. ايشان راجع به لسان يك روز طوري صحبت كردند كه انسان به اين مرز مي رسيد كه نذر كند ديگر صحبت نكند إلا در موارد ضروري.

يعني اگر واقعاً ما به اين حد برسيم، خودمان را ملزم كنيم، حالا نمي گويم نذر كنيم، خودمان را ملزم كنيم فقط در موارد ضروري حرف بزنيم، در غير موارد ضروري صحبت نكنيم، زبانمان را نگه داريم، اين كلمه اي كه وقتي لسان اعتراض مي كند خدايا چرا اين عذاب را براي من قرار دادى كه بقيه اعضا و جوارح اين عذاب را ندارند؟ «خَرَجَتْ مِنْكَ كَلِمَةٌ فَبَلَغَتْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا فَسُفِكَ بِهَا الدَّمُ الْحَرَامُ» يك معنای دیگرش این است که گاهی اوقات این کلمه آلودگی و بوی بدش به مشارق و مغارب ارض می رسد.

حالا این معنا، آن معنای ظاهري اولي نیست که ما كرديم، بگوئيم اگر يك كلمه اي به همه عالم رسيد، گاهي يك كلمه اينقدر آلوده و بد هست که بويش به مشارق و مغارب می رسد. اين را اگر انسان توجه داشته باشد، بر حرف زدنش خيلي مراقبت مي كند.

إن شاء الله خداوند عنايت كند كه بتوانيم زبان خودمان را فقط براي عبادتش و موارد ضروري استفاده كنيم.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين